

## جستجوی امر ناموجود مقدمه‌ای بر دلایل فقدان نظریه و نظام نقد ادبی در ایران

دکتر قدرت‌الله طاهری\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

### چکیده

از نخستین سال‌های ورود مظاهر مدرن به ایران، نظریه‌ها و شیوه‌های نقد متون، یکی پس از دیگری از طریق ترجمه از فرهنگ غربی به فضای علمی و ادبی ما راه یافتند؛ اما گروهی از محققان می‌کوشند بگویند که اولاً در سنت ادبی کهن ما آنچه که امروزه نظریه و نقد نامیده می‌شود، وجود دارد و بدون پشتوانه نظری امکان آفرینش آثار درخشان ادبی به زبان فارسی نیست؛ و در ثانی، نظائر آنچه را اندیشمندان غربی می‌گویند متفکران ما سده‌ها پیش گفته‌اند. از دیدگاه ما در سنت ادبی ایرانی امکان شکل‌گیری نظریه و نظام نقد ادبی نبود؛ زیرا این دو پدیده، محصول مستقیم دوران مدرنیته، برخورد علمی انسان عصر جدید با همه مظاهر هستی و نتیجه تفکیک عالم «خلاقه ادبی» از «علم ادبیات» است. آفرینش ادبی نیز با منطقی متمایز از منطق علم ادبی صورت می‌گیرد و منوط به وجود نظریه و نظام نقد ادبی نیست. اگرچه تفکر نقادانه در الهیات، کلام و فلسفه در عصر زرین تمدن اسلامی در ایران وجود داشت، ولی به دلیل زیست حاشیه‌ای ادبیات از قدرت سیاسی، این تفکر به فضای ادبی ما راه پیدا نکرد. استبداد سیاسی نیز، چنانکه به خطا پنداشته می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در فقدان نظریه و نظام نقد نداشت. در مقابل، باور به منشأ الهی و متافیزیکی شعر و هنر ادبی، راه را بر نقادی ادبی تا حد زیادی می‌بست. در این نوشتار مسأله فقدان نظریه و نظام نقد ادبی در ایران را با طرح هفت دلیل عمده بررسی کرده‌ایم.

**واژگان کلیدی:** نظریه ادبی، نقد ادبی، سنت نقد ادبی ایرانی، نقد و نظریه ادبی غربی